مفاهیمی که در بیانات رهبر انقلاب مطرح شده اند:
حرکت امام رضا (علیه السلام) | ساخت درونی نظام | نرمش قهرمانانه | پیام انقلاب اسلامی | چالش اصلی انقلاب اسلامی

سه‌شنبه | ۲۶ شهریور ۱۳۹۲

روزنگار ۴۶

روزنگار مروری کوتاه بر پیام ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

17 September 2013
۱۲ ذوالقعده ۱۴۳۴

دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پوستر دستخط رهبر

رهبر انقلاب اسلامی: «یکی از بخشهای مهمّ کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن سپاه است».

چالش اساسی انقلاب
ارائه نظم جدید در مقابل نظام سلطه است

اینکه ما بیاییم چالش انقلاب را فرو بکاهیم به چالشهای سیاسی و خطّی و جناحی و مقابله‌ی زید و عمرو با یکدیگر، این سهل‌نگری است، مسامحه است، سهل‌انگاری است؛ چالش انقلاب اینها نیست. اینکه یک خطّ سیاسی، یک جریان سیاسی با یک جریان سیاسی دیگر دعوا دارند، یا زیدی با عمروی اختلاف دارد، اینها چالش انقلاب نیست؛ چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریّت ارائه کرده. | متن کامل در KHAMENEI.IR

ارجاع

رهبر انقلاب به چه سخنرانی ارجاع دادند:

نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جهان باید تیزتر از شمشیر، نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشند. عرصه سیاست خارجی میدان نرمشهای قهرمانانه است، اما نرمشی که در برابر دشمن تیز باشد. بنا بر این دیپلماتهای ما باید در مواضع اصولی خود مستحکم بایستند و استقامت و پایمردی حضرت امام خمینی (رض) را الگوی خود قرار دهند. ۱۷/۰۵/۱۳۷۵

تیز دو

نرمش قهرمانانه تغییر تاکتیک با حفظ اصول

عالَم دیپلماسی، عالَم لبخند زدن است؛ لبخند هم میزنند، مذاکره هم میکنند، درخواست مذاکره هم میکنند، خودشان هم میگویند. به یکی از این سیاستمداران غربی چند روز پیش از این گفته بودند شما که میخواهید مذاکره بکنید با ایران، خب دشمن است ایران؛ گفته بود خب، آدم با دشمن مذاکره میکند دیگر! یعنی اقرار به دشمنی با ایران؛ صریح میگویند. علت دشمنی اشخاص نیستند، علت دشمنی این حقیقت و این هویّت است. همه‌ی آنچه که میگویند در این چهارچوب باید تفسیر و تحلیل بشود، در این چهارچوب باید فهمیده بشود. ما مخالف با حرکتهای صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاستهای داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی گیری که دارد با حریف خودش کشتی میگیرد و یک جاهایی به دلیل فنّی نرمشی نشان میدهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار میکنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله‌ی طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجّه داشته باشند.

روایت

فقر و جنگ‌افروزی حاصل استعمار نظام سلطه در کشورها

جنگهای دنیا در این برهه‌ی اخیر، در این دو سه قرن اخیر، غالباً تحت تأثیر نفوذ نظام سلطه بوده؛ یا خودشان با کسی جنگ داشتند یا دو گروه را به جنگ هم انداختند برای اینکه سود ببرند.

فقر هم کار آنها است، بسیاری از این کشورهای فقیری که مردم آن در فقر زندگی میکنند و از منابع طبیعی خودشان نمیتوانند بهره‌برداری کنند، گناه فقر آنها به گردن اینها است.

اینها خیلی از کشورها را بر اثر سلطه‌ی سیاسی، از موجودی دانش خودشان هم تهی کردند. این کتاب جواهر لعل نهرو - نگاهی به تاریخ جهان - را بخوانید؛ در بخشی که دخالت و نفوذ انگلیسها در هند را بیان میکند، تصویر میکند، تشریح میکند - او آدمی است هم امین، هم مطّلع - میگوید صنعتی که در هند بود، علمی که در هند بود، از اروپا و انگلیس و غرب کمتر نبود و بیشتر بود.

انگلیسها وقتی وارد هند شدند، یکی از برنامه‌هایشان این بود که جلو گسترش صنعت بومی را بگیرند. خب، بعد کار هند به آنجا میرسد که ده‌ها میلیون آن وقتها، صدها میلیون در دوره‌های بعد، فقیر و گدا و خیابانْ‌خواب و گرسنه‌ی به معنای واقعی داشته باشد؛ آفریقا همین‌جور است؛ بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین همین‌جورند. پس نظام سلطه علاوه بر اینکه جنگ‌افروز است، فقرآفرین است.

تکمیلی

سیاست‌های اصلی سلطه‌گران عالم

گسترش جنگ
گسترش فقر
گسترش فساد اخلاقی و جنسی

دوخصوصیت بی‌نظیر امام خمینی (ره)

۱. بصیرت کامل: خوب می‌دید و درست می‌فهمید
۲. قاطعیّت تمام: سدی بود در مقابل پیشرفت و ضربه دشمن

پایه‌های اصلی محاسبه ملت ایران برای آینده روشن خود

تقویت ساخت درونی نظام؛ رشد علمی؛ تولید داخلی
نگاه خوشبینانه به استعدادهای بومی؛ تکیه به ابتکار نیروی انسانی
تکیه به ایمان خود؛ حرکت همراه با اتحاد

برگزیده

- کارنامه‌ی سپاه در این سی و چند سال، یک کارنامه‌ی درخشان است؛ کارنامه‌ی سپاه در این مدّت نمایشگر تجربه‌ی یک ملّت است.
- چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریّت ارائه کرده است.
- ما مخالف حرکتهای صحیح و منطقی دیپلماسی نیستیم؛ بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم گذاری شد «نرمش قهرمانانه».
- طرف مقابل ما دچار ضعفهای روزافزون و تناقضهای درونی است به‌خاطر غلط فاحش بودنِ ساختِ درونی آن تمدّن؛ آنها دارند عقب‌نشینی میکنند.

پیشنهاد

تغییر هندسه دنیا:

رهبر معظم انقلاب اسلامی طی بیاناتی در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چالش اصلی انقلاب اسلامی را ارائه‌ی نظم جدیدی برای بشریت و مقابله‌ی آن با نظام سلطه دانستند. ایشان همچنین در بخش دیگری از سخنان خود به عقب‌نشینی دشمنان انقلاب اسلامی به دلیل ضعفهای روزافزون و تناقضهای درونی آنان اشاره کردند.

تاثیرات جهانی انقلاب اسلامی و تغییرات پدید آمده پس از وقوع آن در سطح منطقه‌ای و جهانی و حرکت به سمت وضع جدید در عالم پیش از این نیز در بیانات آیت الله العظمی خامنه ای مورد تبیین و اشاره قرار گرفته بود.

جهت آشنایی بیشتر و دقیق‌تر با نگاه رهبر انقلاب اسلامی در این موضوع مطالعه‌ی کلیدواژه‌ی "تغییر هندسه دنیا" در بخش جستار پایگاه KHAMENEI.IR پیشنهاد می‌گردد.

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یك پیامك بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰

مفاهیمی که در بیانات رهبر انقلاب مطرح شده اند:
حرکت امام رضا (علیه السلام) | ساخت درونی نظام | نرمش قهرمانانه | پیام انقلاب اسلامی | چالش اصلی انقلاب اسلامی

سه‌شنبه | ۲۶ شهریور ۱۳۹۲

روزنگار ۴۶

روزنگار مروری کوتاه بر پیام ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

17 September 2013
۱۲ ذوالقعده ۱۴۳۴

دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پوستر دستخط رهبر

رهبر انقلاب اسلامی: «یکی از بخشهای مهمّ کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن سپاه است».

متن کامل بیانات

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

اولاً خوشامد عرض میکنیم؛ ثانیاً تبریک عرض میکنیم این عید سعید را. و با حضور شما و نفسهای گرم شما و برنامه‌های خوبی که اجرا کردید، روز ما را عید کردید؛ امیدواریم ان‌شاءالله دلهای شما همیشه شاد، همیشه متذکّر، همیشه در حال سِیر به مقامات عالی‌تر باشد.

یک جمله درباره‌ی امام بزرگوار و عالِم آل محمّد حضرت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا (علیه آلاف التّحیّة و الثّناء) عرض بکنیم. مقامات معنوی و روحانیّت این وجودات مقدّسه، حقیقتاً از درک عقلانی ما هم بیشتر است، چه برسد به توصیف زبانی ما؛ لکن در مقابل چشم ما و چشم تاریخ، زندگی این بزرگواران یک درس عملی و جاودان و غیرقابل انکار است. اگر ما در مواردی به زندگی ائمّه (علیهم‌السّلام) میپردازیم، سیاستهای آنها را، تدبیرهای آنها را، شرح حال آنها را مورد تکیه قرار میدهیم، نه به این معنا است که این بخش، اهمّ و اعظم بخشهای زندگی آن بزرگواران است؛ نه، آن عالَم معنا و آن قرب الی‌الله و آن معرفت و محبّتی که موج میزند در آن دلهای بی‌نظیر، یک داستان دیگری است. لکن آنچه جلوی چشم ما است، زندگی این بزرگواران است که باید از آنها درس گرفت.

عمر مبارک امام رضا (سلام‌الله‌علیه) تقریباً پنجاه و پنج سال بوده است - یعنی از سال ۱۴۸ که سال شهادت امام صادق (علیه‌السّلام) است تا سال ۲۰۳ - تمام زندگی این بزرگوار با همه‌ی این عظمتها و عمقها و ابعاد گوناگونی که میشود برای آن ذکر کرد و تصویر کرد، در همین مدّت عمر نسبتاً کوتاه انجام گرفته است. از این مدّت پنجاه و پنج سال، نزدیک به بیست سال - تقریباً نوزده سال - مدّت امامت این بزرگوار است؛ امّا همین مدّت کوتاه را که ملاحظه میکنید، تأثیری که در واقعیّت دنیای اسلام گذاشت و به گسترش و عمقی که به معنای حقیقیِ اسلام و پیوستن به اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) و آشنا شدن با مکتب این بزرگواران انجامید، یک داستان عجیبی است، یک دریای عمیقی است. آن وقتی که حضرت به امامت رسیدند، دوستان و نزدیکان و علاقه‌مندان حضرت میگفتند که: علیّ‌بن‌موسی در این فضا چه کار میتواند انجام بدهد - این فضای شدّت اختناقِ هارونی که در روایت دارد که میگفتند: وَ سَیفُ هارونَ تَقطُرُ دَما؛ خون میچکد از شمشیر هارون - این جوان در این شرایط، در ادامه‌ی جهاد امامان شیعه و در مسئولیّت عظیمی که برعهده‌اش است، میخواهد چه بکند؟ این اولِ امامت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا (علیه‌السّلام) است. بعد از این نوزده سال یا بیست سال که پایان دوران امامت و شهادت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا است، وقتی شما نگاه میکنید، می‌بینید که همان تفکّر ولایت اهل‌بیت و پیوستگی به خاندان پیغمبر آن‌چنان گسترشی در دنیای اسلام پیدا کرده که دستگاه ظالم و دیکتاتور بنی‌عبّاس از مواجهه‌ی با آن عاجز است؛ این را علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا انجام داده.

شنیده‌اید شما که دعبل به مروْ، به خراسان آمد و آن اشعار معروف را در مدح امام رضا انشاء کرد و انشاد کرد؛ بعد هم جایزه‌ای گرفت؛ و حالا فرض بفرمایید چند روزی هم در مروْ و در سایر شهرهای خراسان ماند، بعد هم راه افتاد رفت به طرف بغداد و کوفه و همان جاهایی که میخواست برود. در میان راه دزدها به کاروانی که دعبل در آن بود حمله کردند و غارت کردند این کاروان را. کاروانی‌ها نشسته بودند تماشا میکردند، اموالشان همه به غارت رفته بود، رئیس دزدها هم نشسته بود بالای بلندی روی یک سنگی، او هم با تبختر تماشا میکرد این زندانی‌ها و اسرای کاروانی و این اموالی را که گرفته بودند و جمع میکردند و می‌بستند و ضبط میکردند. دعبل شنید که رئیس دزدها دارد با خودش زمزمه میکند، یک شعری را میخواند؛ گوش کرد، دید شعر خودش است. یک بیت از همان قصیده‌ای را که فرضاً یک ماه پیش، یک ماه و نیم پیش در مرو سروده - «أَرَی فَیئَهُم فی غَیرِهِم»(۲) تا آخر - رئیس دزدها در بین راه، در نزدیکی مثلاً ری و عراق، این شعر را دارد از حفظ میخواند. دعبل خوشحال شد، بلند شد گفت که این شعری که میخوانی، مال کیست؟ گفت: این شعر مال دعبل خزاعی است. گفت: خب، دعبل خزاعی منم! رئیس دزدها وقتی که دید این شخص دعبل خزاعی است، بلند شد او را در آغوش گرفت، بوسید، گفت: به برکت حضور این شخص در این کاروان، همه‌ی اموال را پس بدهید. همه‌ی اموال را پس دادند، کاروانی‌ها را احترام کردند، راه انداختند، رفتند. خب، این حادثه‌ی کوچکی است در تاریخ، امّا معنای بزرگی دارد. شعری که در باب علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا در مروْ سروده میشود؛ بعد از حدود یک ماه، یک ماه و نیم - کمتر، بیشتر - در ری و عراق از زبان یک راهزن، آن هم به صورت حفظ شده، تکرار میشود. معنای این چیست؟ معنایش این است که زمینه آن‌چنان برای ترویج اهل‌بیت و برای نام مبارک امام رضا مساعد است که این شعر - که آن روز شعر یکی از مؤثّرترین و نافذترین رسانه‌ها بوده - در یک مدّت کوتاهی دست به دست میچرخد تا میرسد به یک آدمی که مثلاً یک راهزنی در وسط بیابان است. این نشان‌دهنده‌ی حرکت عظیمی است که در دوران امامت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا (سلام‌الله‌علیه) برای ترویج مکتب اهل‌بیت انجام گرفته؛ محبّت آنها همه‌گیر شده است؛ حضور آنها و وجود آنها در جامعه‌ی اسلامی به اعماق دلهای مردم نفوذ پیدا کرده است.

> مدّت کوتاه (امامت امام رضا) را که ملاحظه میکنید، تأثیری که در واقعیّت دنیای اسلام گذاشت و به گسترش و عمقی که به معنای حقیقیِ اسلام و پیوستن به اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) و آشنا شدن با مکتب این بزرگواران انجامید، یک داستان عجیبی و دریای عمیقی است

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یك پیامك بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰

مفاهیمی که در بیانات رهبر انقلاب مطرح شده اند:
حرکت امام رضا (علیه السلام) | ساخت درونی نظام | نرمش قهرمانانه | پیام انقلاب اسلامی | چالش اصلی انقلاب اسلامی

سه‌شنبه | ۲۶ شهریور ۱۳۹۲

روزنگار ۴۶

روزنگار مروری کوتاه بر پیام ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

17 September 2013
۱۲ ذوالقعده ۱۴۳۴

دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پوستر دستخط رهبر

رهبر انقلاب اسلامی: «یکی از بخشهای مهمّ کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن سپاه است».

متن کامل بیانات

اینکه شما می‌بینید امامزاده‌های بزرگوار بلند شدند، راه افتادند، آمدند اینجا، غیر از جنبه‌ی عزا و غمناک قضیّه که شهادت اینها در بین راه است، یک جنبه‌ی مثبت و پرمعنا دارد؛ معنای این، درخواست مردم، تقاضای مردم، زمینه‌ی پذیرش و قبول مردم نسبت به اهل‌بیت است. میدانید وقتی میگوییم «اهل‌بیت»، یعنی این مکتب، این معنا و لبّی که اهل‌بیت از اسلام معرّفی میکردند؛ یعنی یک کار عمیقاً فرهنگی و معنوی و یک کار بزرگ اعتقادی.

این حرکت امام رضا (علیه‌السّلام) است؛ تا بالاخره مأمون طیّ همان قضایایی که شنیده‌اید و تکرار شده است و میدانید، احساس میکند که ناچار است علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا (علیه‌السّلام) را - که با نیّتهای خاصّ خودش، آن بزرگوار را از مدینه کشانده بود، آورده بود، به خود نزدیک کرده بود و قصد کشتن آن بزرگوار را هم نداشت - برخلاف آنچه تدبیر کرده بود، به شهادت برساند؛ کار قضاء الهی و اراده‌ی الهی و تدبیر الهی - که پاره‌ی تن پیغمبر در این نقطه‌ی دوردست از مدینه مدفون بشود که خود این یک تدبیر الهی است، یک مهندسی الهی است - به وسیله‌ی دشمنان اهل‌بیت انجام بگیرد.

کار برای اهداف بلند را این‌جوری باید انجام داد؛ نگاه به بلندمدّت را با این انگیزه‌ها، با این نیّتها، با این امیدها باید انجام داد؛ سپاه در یک چنین موضعی قرار دارد. بحث این نیست که یک حکومت جدیدی بعد از انقلاب سر کار آمد، یک عدّه طرفدار دارد، یک عدّه مخالف دارد، یک عدّه هم طبعاً سرباز و مراقب و نیروی مسلّح دارد، این نیست مسئله؛ مسئله بالاتر از این حرفها است؛ مسئله‌ی انقلاب اسلامی - که شما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستید - مسئله‌ای فراتر از این حرفها است. حالا من اول در باب تجربه‌ی سپاه در این سالهای متمادی یک جمله عرض بکنم، بعد بپردازم به مطلبی که مورد نظر است که به شما برادران عزیز عرض بکنم.

کارنامه‌ی سپاه در این سی و چند سال، یک کارنامه‌ی درخشان است؛ این کلمه را به عنوان یک کلمه‌ی متعارف و معمول و جاری‌شونده‌ی بر زبان در خیلی جاها عرض نمیکنم، واقع قضیّه این است. کارنامه‌ی سپاه در این مدّت در واقع نمایشگر تجربه‌ی یک ملّت است؛ یعنی اعماق شخصیّت و هویّت ملّت ایران را میتوان در این کارنامه مشاهده کرد؛ چون سپاه با ایمان و عقیده وارد میدان شد. میدانِ چه؟ میدان «مجاهدت و مقاومت». باهوش‌ترین و قوی‌ترین فرماندهان نظامی را تربیت کرد؛ این کسانی که در سنین جوانی و کمتر از سی سال، طرّاحان و به تعبیر فرنگی‌ها استراتژیست‌های برجسته‌ی میدان جنگ در سپاه شدند، هیچ دانشگاه نظامی ندیده بودند؛ این تربیت سپاه بود، تربیت این فضا بود که فضای نورانی است، تربیت این سازمان بناگذاشته شده‌ی بر مبنای ایمان و عقیده بود؛ آن شخصیّتهای برجسته را - که هرگز ملّت ما و تاریخ ما اسم آنها را فراموش نخواهد کرد - تربیت کرد؛ این هنر سپاه است. این در زمینه‌ی جنگ؛ علاوه‌ی بر این باتدبیرترین و قوی‌ترین و بهترین مدیران کشور را هم در زمینه‌ی غیر نظامی، باز می‌بینیم سپاه تربیت کرده و تحویل داده؛ صادرات انسانی سپاه به مجموعه‌ی دستگاه‌های حاکمیّتی نظام جمهوری اسلامی یک فهرست طولانی و افتخارآمیز است؛ کارنامه‌ی سپاه این است.

یکی از بخشهای مهمّ کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن سپاه است؛ یعنی حوادث، جریانات نتوانست این تشکیلات مستحکم و قوی‌بنیه را از مسیر اصلی و درست، به بهانه‌ی اینکه دنیا تغییر کرده، زندگی تغییر کرده، منحرف کند؛ بهانه‌هایی که میشنوید و می‌بینید که می‌آورند، برای وادادگی بهانه می‌آورند، برای پشیمانی بهانه می‌آورند؛ بهانه هم این است که دنیا تغییر کرده، همه چیز عوض شده. خب، یک چیزهایی عوض نمیشود؛ از اولِ تاریخ تا امروز حُسن عدالت و عدالت‌طلبی انسان تغییر نکرده، زشتیِ ظلم تغییر نکرده، حُسن استقلال ملّی و عزّت ملّی تغییر نکرده، اینها و بسیاری از اصول دیگر که تغییرپذیر نیست. اینکه دنیا تغییر کرده، بهانه نمیشود برای اینکه ما رفتار خودمان، هدف خودمان، آرمان خودمان را عوض کنیم؛ وقتی آرمان عوض شد، راه عوض میشود؛ وقتی هدف نهایی عوض شد، دیگر معنی ندارد که شما در راه قبلی حرکت کنید، میروید به سمت هدف جدید که راه جدیدی است، راه دیگری است. یکی از مهمترین نقاط قوت سپاه ایستادگی و استقرار و ثبات‌قدم در این راه نورانی است. این حالا درباره‌ی سپاه؛ البتّه در باب سپاه خیلی میشود حرف زد، خیلی حرف زده‌ایم، خیلی حرف زده‌اند، خیلی حرفهای نزده هم هست که حالا در این زمینه بیش از این عرض نمیکنیم.

> یکی از بخشهای مهمّ کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن است؛ یعنی حوادث، جریانات نتوانست این تشکیلات قوی‌بنیه را از مسیر اصلی و درست، به بهانه‌ی اینکه دنیا تغییر کرده، منحرف کند؛ بهانه‌هایی که میشنوید و می‌بینید برای وادادگی و پشیمانی می‌آورند

آنچه که مهم است این است - این را من میخواهم عرض بکنم - سپاه، پاسدار انقلاب اسلامی است؛ نمیخواهم بگویم این پاسداری به معنای این است که در همه‌ی عرصه‌ها - عرصه‌ی علمی، عرصه‌ی فکری، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی اقتصادی - سپاه باید بیاید پاسداری کند؛ نه، منظورم این نیست؛ لکن مقصود این است که سپاه به عنوان یک موجود زنده باید بداند که از چه میخواهد پاسداری کند؛ این انقلاب چیست. لزومی ندارد حتماً سپاه در عرصه‌ی سیاسی برود به پاسداری بپردازد، امّا باید عرصه‌ی سیاسی را بشناسد. این خلط مبحثی که بعضی میکنند باید بدقّت روشن بشود؛ نمیشود یک مجموعه‌ای به عنوان بازوی نگاهبان و پاسدار انقلاب در کشور تعریف بشود، امّا در زمینه‌ی جریانهای گوناگون سیاسی - بعضی انحرافی، بعضی غیرانحرافی، بعضی وابسته به اینجا و آنجا - چشمِ بسته و ناآگاه و نابینا داشته باشد، این معنی ندارد؛ باید بداند که از چه میخواهد دفاع کند. اینکه ما بیاییم چالش انقلاب را فرو بکاهیم به چالشهای سیاسی و خطّی و جناحی و مقابله‌ی زید و عمرو با یکدیگر، این سهل‌نگری است، مسامحه است، سهل‌انگاری است؛ چالش انقلاب اینها نیست. اینکه یک خطّ سیاسی، یک جریان سیاسی با یک جریان سیاسی دیگر دعوا دارند، یا زیدی با عمروای اختلاف دارد، اینها چالش انقلاب نیست؛ چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریّت ارائه کرده. نمیگوییم انقلاب از اول با مخاطب قرار دادن کلّ بشر آمد؛ نه، انقلاب اسلامیِ «ایران» بود، متوجّه مسائل ایران بود، متوجّه ایجاد تغییرات بنیادی در ایران بود؛ امّا زبان این انقلاب و پیام این انقلاب پیامی بود و زبانی بود که نمیتواند و نمیتوانست - به طبع حال - در مرزهای ایران منحصر بماند؛ یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله‌ی انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس میکند که به این پیام دلبسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله‌ی با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون»(۳) است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود. کیست در همه‌ی

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یك پیامك بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰

دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

متن کامل بیانات

صفحه‌ی بشری و عرصه‌ی وجود انسان که از این پیام خرسند نباشد، به این پیام دلبسته نشود؟ نه ظلم کن، نه ظلم بشو. این درست نقطه‌ی مقابل نظم حاکم بر جهان است از بعد از پیدا شدن تمدّن جدید صنعتی و شیوع ابزارهای صنعتی و به تبع آن، شیوع فرهنگ سلطه در عالم. هر دستگاهی در دنیا که وابسته‌ی به نظام سلطه باشد، با این پیام مخالف است. آن کسانی که خودشان سلطه‌گرند - یعنی دولتهای جبّار، شبکه‌های اقتصادی مکنده‌ی ثروتهای ملّی، ثروتهای ملّتها - با این پیام مخالفند، چون ظلم میکنند. دولتهای زیردست و فرودستی که بر ملّتهای فقیر یا ثروتمند حکومت میکنند و تابع آن نظام سلطه‌ی جهانی هستند، خودشان اقتداری ندارند، سلطه‌ای ندارند، امّا تابع آنها هستند، دنبال آنها راه می‌افتند، مخالف این پیامند. فلان دولتی که سیاستهای نظام سلطه را، سیاستهای فرضاً آمریکا را یا یک روزی سیاستهای انگلیس را موبه‌مو در کشور خود اجرا میکند، این با پیام «لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون» به طور طبیعی مخالف است؛ کمپانی‌های بین‌المللی و چند ملّیتی و تک ملّیتی و جمع کنندگان ثروتهای عمومی [با این] مخالفند؛ آن سیاستهایی که در دنیا سه عنصرِ جنگ و فقر و فساد را گسترش میدهند، با این مخالفند. جنگهای دنیا در این برهه‌ی اخیر، در این دو سه قرن اخیر، غالباً تحت تأثیر نفوذ نظام سلطه بوده؛ یا خودشان با کسی جنگ داشتند یا دو گروه را به جنگ هم انداختند برای اینکه سود ببرند. فقر هم کار آنها است، بسیاری از این کشورهای فقیری که مردم آن در فقر زندگی میکنند و از منابع طبیعی خودشان نمیتوانند بهره‌برداری کنند، گناه فقر آنها به گردن اینها است. اینها خیلی از کشورها را بر اثر سلطه‌ی سیاسی، از موجودی دانش خودشان هم تهی کردند. این کتاب جواهر لعل نهرو - نگاهی به تاریخ جهان - را بخوانید؛ در بخشی که دخالت و نفوذ انگلیسها در هند را بیان میکند، تصویر میکند، تشریح میکند - او آدمی است هم امین، هم مطّلع - میگوید صنعتی که در هند بود، علمی که در هند بود، از اروپا و انگلیس و غرب کمتر نبود و بیشتر بود. انگلیسها وقتی وارد هند شدند، یکی از برنامه‌هایشان این بود که جلو گسترش صنعت بومی را بگیرند. خب، بعد کار هند به آنجا میرسد که ده‌ها میلیون آن وقتها، صدها میلیون در دوره‌های بعد، فقیر و گدا و خیابانْ‌خواب و گرسنه‌ی به معنای واقعی داشته باشد؛ آفریقا همین‌جور است؛ بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین همین‌جورند. پس نظام سلطه علاوه بر اینکه جنگ‌افروز است، فقرآفرین است. این ثروتهای عظیمی که شما می‌بینید در قلّه‌های ثروت - این ثروتمندان درجه یک دنیا - جمع شده، همان «ما رَأیتُ نِعمَةً مَوفورَةً، الّا وَ فی جانِبِها حَقٌّ مُضَیَّع» است. وقتی نفت یک کشور را غارت میکنند، محصول کشاورزی یک کشور را غارت میکنند، چای یک کشور را غارت میکنند، تجارت یک کشور را در دست خودشان میگیرند که مردم خود آن کشور از آن محروم بمانند، تولید را، صنعت را و بقیّه‌ی شئون پیشرفت ملّی را از یک ملّت سلب میکنند، خب ملّت فقیر میشود. پس، هم جنگ کار آنها است، هم فقر کار آنها است، هم فساد کار آنها است. گسترش فساد در دنیا و برافروختن آتش میل جنسی - که یک امر طبیعی است و قابل برافروخته شدن و شعله‌ور شدن در همه‌ی انسانها - کار آنها است؛ که هر کدام از اینها داستان جداگانه و مفصّلی است.

خب، نظام سلطه جنگ را، فقر را، فساد را گسترش میدهد، با همان سازوکار مشخّص تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم. اسلام - یعنی انقلاب اسلامی که برگرفته‌ی از همان مفاهیم اسلامی است - می‌آید میگوید: لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون، یعنی همه‌ی این عوامل را نفی میکند؛ چالش اصلی اینجا است؛ دعوای اصلی اینجا است؛ دعوای با انقلاب اینها است؛ بقیّه‌ی حرفها بهانه است. تحریم، جنگ داخلی، ایجاد کودتا، بقیّه‌ی چیزهایی که در این سالها [بوده]، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، همه را در این چهارچوب باید نگاه کرد، باید دید: یک انقلابی می‌آید برخلاف تصور همه‌ی دنیا پیروز میشود، دولت تشکیل میدهد و آن دولت ماندگار میشود و میماند - برخلاف تصور همه‌ی دنیا که خیال میکردند جمهوری اسلامی ظرف شش ماه، یک سال، دو سال، بعد یک خرده تخفیف دادند، ظرف سه چهار سال، باید از بین میرفت - روزبه‌روز قوی‌تر شد، روزبه‌روز «اَصلُها ثابِتٌ وَ فَرعُها فِی السَّماء. تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها»(۴) شد، تبدیل شد به یک قدرت منطقه‌ای، تبدیل شد به یک کشور اثرگذار در مسائل کلان جهانی؛ با این مخالفند، با این دشمنند.

بحث سلاح هسته‌ای را مطرح میکنند. خب، ما سلاح هسته‌ای را نه به‌خاطر زید و عمرو، نه به خاطر آمریکا و غیر آمریکا، به‌خاطر عقیده‌مان قبول نداریم؛ هیچ کس نباید داشته باشد. وقتی ما میگوییم شما نداشته باش، معنایش این است که خودمان هم قاطعاً میگوییم نباید داشته باشیم و نخواهیم داشت؛ امّا مسئله‌ی آنها مسئله‌ی دیگری است؛ آنها حرفی ندارند که برخی از کشورها هم فرضاً به‌وجود بیایند [که] انحصار آنها را به هم بزنند، البتّه نمیخواهند انحصارشان به هم بخورد، امّا قیامتی هم بر پا نمیکنند؛ در مورد ایران اسلامی و جمهوری اسلامی قیامت بپا میکنند؛ چرا؟ چون داشتن یک چنین توانی، یک چنین قدرتی، پشتوانه‌ی این نظامِ «لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون» است؛ چالش اصلی اینجا است؛ این را باید شناخت، این را باید دید، در این چهارچوب بایستی رویکردهای آمریکا و غرب و فلان کشور وابسته‌ی به اینها و فلان جریان وابسته و دلبسته‌ی به اینها را تفسیر و تحلیل کرد؛ انقلاب اسلامی این است.

هیچ کس در چشم این دشمنان منفورتر از چهره‌ی درخشان و آفتاب فروزان امام بزرگوار ما نبود؛ برایش احترام قائل بودند، امّا از ته دل دشمنش بودند؛ به‌خاطر اینکه ایستاده بود، به‌خاطر اینکه امام با دو خصوصیّت بی‌نظیر «بصیرت کامل» و «قاطعیّت تمام» - هم خوب میدید و درست میفهمید، هم قاطع می‌ایستاد - سدّی بود در مقابل پیشرفت اینها و در مقابل ناخن زدن و نیش زدن و ضربه زدن اینها؛ لذا با او دشمن بودند. البتّه عرض کردیم برایش احترام هم قائل بودند، میفهمیدند عظمت او را، امّا هرچه عظیم‌تر، از چشم آنها مبغوض‌تر؛ امروز هم همین‌جور است؛ هر کسی که در پایبندی به این ارزش اصولی و اصلی، یعنی ارزشی که هویّت سیاسی انقلاب را معیّن میکند - لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون - پایبندتر باشد و بفهمد که فهرست مشکلات تولیدشده و ایجادشده‌ی دشمنان علیه نظام اسلامی در این چهارچوب میگنجد - هر کسی با یک چنین بینشی و با ایستادگی در این راه باشد - همان‌قدر برای آنها مبغوض است. البتّه عالَم دیپلماسی، عالَم لبخند زدن است؛ لبخند هم میزنند، مذاکره هم میکنند، درخواست مذاکره هم میکنند، خودشان هم میگویند. به یکی از این سیاستمداران غربی چند روز پیش از این گفته بودند شما که میخواهید مذاکره بکنید با ایران، خب دشمن است ایران؛ گفته بود خب، آدم با دشمن مذاکره میکند دیگر! یعنی اقرار

> انقلاب اسلامی که برگرفته‌ی از همان مفاهیم اسلامی است میگوید: لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون، چالش اصلی و دعوای اصلی با انقلاب اینها است؛ بقیّه حرفها بهانه است. تحریم، جنگ داخلی، کودتا، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، همه را در این چهارچوب باید نگاه کرد.

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یك پیامك بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰

مفاهیمی که در بیانات رهبر انقلاب مطرح شده اند:
حرکت امام رضا (علیه السلام) | ساخت درونی نظام | نرمش قهرمانانه | پیام انقلاب اسلامی | چالش اصلی انقلاب اسلامی

سه‌شنبه | ۲۶ شهریور ۱۳۹۲

روزنگار ۴۶
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

پوستر دستخط رهبر
رهبر انقلاب اسلامی: «یکی از بخشهای مهمّ کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن سپاه است».

حماسه اقتصادی
17 September 2013
۱۲ ذوالقعده ۱۴۳۴

دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

متن کامل بیانات

به دشمنی با ایران؛ صریح میگویند. علت دشمنی اشخاص نیستند، علت دشمنی این حقیقت و این هویّت است. همه‌ی آنچه که میگویند در این چهارچوب باید تفسیر و تحلیل بشود، در این چهارچوب باید فهمیده بشود.

ما مخالف با حرکتهای صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاستهای داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی میگیرد و یک جاهایی به دلیل فنّی نرمشی نشان میدهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه‌کار میکنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله‌ی طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجّه داشته باشند.

خب، پاسدار انقلاب اسلامی هستید؛ معنای پاسدار انقلاب اسلامی این نیست که در همه‌ی عرصه‌ها و میدانها بایستی برود حضور پیدا کند [و] یک وظیفه‌ای بر دوش او است؛ نه، وظیفه‌ی مشخّصی است، معیّنی است، مضبوطی است که در بیانات این فرمانده‌ی محترم و عزیز ما هم منعکس بود امروز، همان نگاه به گستره‌ی فعّالیّت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، درست است، بنده تأیید میکنم؛ لکن سپاه اولاً بایستی همواره بداند که چه کار میخواهد بکند، از چه چیزی میخواهد پاسداری کند؛ ثانیاً ثبات قدم خود را که مؤلّفه‌ی اصلی هویّت پُرافتخار سپاه است، فراموش نباید بکند؛ این را همه، در همه‌ی سطوح توجّه داشته باشند.

مکرّر عرض کرده‌ایم کار سپاه متّکی به معنویّت است؛ معنویّت منافات با پیشرفتهای علمی و ابتکارات گوناگون علمی و عملی و شیوه‌های نو و سازماندهی‌های هوشمندانه ندارد. نه اینکه خیال کنیم وقتی چشم انسان به معنویّت است، به ظواهر [نپردازد]؛ نخیر، بهترین و هنرمندانه‌ترین شیوه‌های رزمی را در صدر اسلام، پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و مسلمانها در عرصه‌های جنگ از خودشان نشان میدادند؛ در دوره‌ی ما هم در دفاع مقدّس، نیروهای انقلابی - چه سپاه، چه ارتش، چه مجموعه‌ی نیروهای انقلاب - هنرمندانه‌ترین تاکتیک‌ها و روشها و شیوه‌های کاری را در پیش میگرفتند. معنویّت منافات ندارد با پرداختن به اصول مادّی کار و تنظیم درست کار؛ بایستی این معنویّت را حفظ کرد. این معنویّت اساس کار است.

آخرین مطلب من هم این است: به نظر بنده، آینده، آینده‌ی روشنی است برای انقلاب اسلامی؛ نه به معنای یک دل‌خوش کُنک، بلکه به معنای ملاحظه‌ی همه‌ی آنچه که جلو چشم ما است. دو استدلال را اینجا انسان نگاه کند: یک استدلال، استدلال تجربه است؛ خب، ما از چه وضعیّتی در اوائل انقلاب، از لحاظ فقر نیروی انسانی، فقر نیروی مادّی، فقر سلاح، فقر تجربه‌ی مدیریّتی و فقرهای گوناگون دیگر، امروز به چه وضعیّتی رسیدیم؛ غنای نیروی انسانی، غنای مادّی، غنای علمی، غنای سیاسی، غنای آبرو و حیثیّت بین‌المللی. خب در این سی و چند سال ما از کجا به کجا رسیدیم؟! همه‌ی این حرکتی هم که ما در این سی و پنج

سال کردیم، مواجه با فشار طرف مقابل بود، یعنی باد مخالف میوزید و ما توانستیم جلو برویم؛ جریان تند مخالف ما بر این بستری که ما در آن حرکت کردیم حضور داشت و ما توانستیم پیش برویم؛ این تجربه خوب نیست؟ کافی نیست؟ جریانهای مخالف و دشمنی‌ها نمیتواند ملّتی را که متّحد است و مصمّم است و با ایمان است و میداند و میفهمد میخواهد چه کار کند، گیج و گم نیست، متوقّف کنند. در این حوادثی که اخیراً رخ داد در دنیای اسلام در این منطقه‌ی ما، هر جایی می‌بینید خسارتهایی متحمّل شدند، به‌خاطر این است که نمیدانستند چه کار باید بکنند، یک خطّ درست راهنما حاکم نبود بر کارها؛ خب این‌جوری شد؛ البتّه این‌جور هم نخواهد ماند. اینجا هم آن اتّفاقی که در منطقه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی افتاده است - آن بیداری - یک چیز بی‌سابقه‌ای است، کار خودش را خواهد کرد. این یک عنصر، یک استدلال، که استدلال تجربه است.

یک استدلال دیگر این است که ما داریم با منطق پیش میرویم، با محاسبه‌ی علمی پیش میرویم؛ طرف مقابل ما دچار ضعفهای روزافزون و تناقضهای درونی است به‌خاطر غلطِ فاحش بودنِ ساختِ درونی آن تمدّن؛ آنها دارند عقب‌نشینی میکنند - البتّه لازم نیست به این عقب‌نشینی اعتراف کرده باشند یا به طور محسوس و واضحی در حرفهای آنها دیده بشود - واقع قضیّه این است، حقیقت قضیّه این است. وقتی یک ملّتی با محاسبه‌ی درست، با پیداکردن نقطه‌ی صحیح کار، کار را پیش میبرد، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. ما گفته‌ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «علم» بایستی رشد پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «تولید داخلی» بایستی اساس کار باشد؛ ما گفته‌ایم «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدّی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ اینها پایه‌های اصلی کار است.

> ما گفته‌ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند، «علم» بایستی رشد پیدا کند؛ «تولید داخلی» بایستی اساس کار باشد؛ «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدّی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ اینها پایه‌های اصلی کار است

وقتی کشوری با تکیه‌ی به استعدادهای درونی، با تکیه‌ی به ابتکار نیروی انسانی خود، با تکیه‌ی به علم و دانش خود، با تکیه‌ی به ایمان خود و با اتّحاد حرکت میکند، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. بنابراین ما تردیدی نداریم که آینده‌ی روشنی داریم؛ البتّه اینکه این آینده زود باشد یا دیر باشد، دست من و شما است: اگر خوب حرکت کنیم، آینده زودتر خواهد رسید؛ اگر چنانچه تنبلی و کوتاهی و خودخواهی و دنیاپرستی و دل دادن به این ظواهر، چشم ما را یک قدری پُر کند، ساقط کند ما را، در درون خودمان ریزش - چه ریزش شخصی در درون، چه ریزش اجتماعی - پیدا بکنیم، البتّه دیرتر به دست خواهد آمد؛ امّا بدون تردید به دست خواهد آمد و این به برکت مجاهدتها و فداکاری‌ها است که بحمدالله در میدان فداکاری هم شماها فعّال بودید، خوب بودید، حرکت درخشانی کردید، در آینده هم ان‌شاءالله همین‌جور خواهد بود.

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند همه‌ی شما را مشمول دعای حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) قرار بدهد و به معنای حقیقی کلمه، شما و ما را پاسدار اسلام و پاسدار انقلاب اسلامی قرار بدهد و روح مطهّر شهیدان و روح مطهّر امام بزرگوار را با اولیائش و با پیغمبر محشور کند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) این دیدار به‌مناسبت تشکیل بیستمین مجمع سراسری فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد.
۲) أَرَی فِیهِم فی غَیرِهِم مُتَقَسِّما / وَ أَیدیَهُم مِن فَیئِهِم صَفِرات
۳) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۷۹
۴) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیات ۲۴ و ۲۵

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یك پیامك بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰